

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

موضوع: راز موفقیت مدارس ژاپن

فهرست مطالب

چکیده

مقدمه

فصل اول: مروری بر وضعیت و برنامه مدارس ژاپن

نگاهی به ژاپن

تاریخ مدارس ژاپن

ساختار آموزش و پرورش ژاپن

استانداردهای مدارس ژاپن

آموزش در مدارس ژاپن

یادگیری در طول زندگی

ویژگی های فرهنگ مدارس ژاپن

فصل دوم: ویژگی های آموزش و پرورش کارا و اثر بخش ژاپن

نگاهی اجمالی به پدیده برنامه ریزی آموزشی

گستره آموزش و پرورش

آموزش و پرورش کارا و اثر بخش

بودجه عمومی آموزش و پرورش

تمرکز زدایی

جایگاه فراگیران در سیستم آموزشی

توجه به خلاقیت فراگیران

محیط های آموزشی

فناوری اطلاعات

توسعه منابع انسانی در نظام آموزشی

نتیجه گیری و پیشنهادات

منابع

آموزش و پرورش، کلید فتح آینده است و از دیر باز انتظار از آموزش و پرورش آن بوده که انسان های فردا را تربیت کند و نسل امروز را برای زندگی در جامعه ی فردا آماده سازد. بنابراین ضرورت دارد برنامه ریزان و سیاست گذاران آموزشی، معلمان و مسوولان آموزش و پرورش، الزامات و مقتضیات زندگی فردا را بشناسند تا بتوانند دانش و بینش لازم را در کودکان و جوانان برای فعالیت در جامعه فردا پرورش دهند. در راستای این سیاست، شناسایی ویژگی های آموزش و پرورش کاراً و اثر بخش از اهمیت خاصی برخوردار است.

مقاله ی حاضر درصدد شناخت ابعادی از این ویژگی های مهم و ضروری می باشد. پس از ذکر مقدمه، نگاهی به وضعیت برنامه درسی ژاپن خواهیم داشت و مطالبی پیرامون برنامه ریزی و اهمیت آن نگاشته می شود، سپس گستره ی آموزش و پرورش نوین مورد بررسی قرار می گیرد و فرآیند جهانی شدن به عنوان ضرورتی اجتناب ناپذیر مطرح می گردد.

در ادامه، آموزش و پرورش کارآمد (یعنی آموزش و پرورشی که کارآیی و اثر بخشی را درخود جمع کرده است) و تجارب کشور ژاپن مورد بررسی قرار می گیرد که بخش اعظم آن مربوط به نظام آموزشی کشور ژاپن می باشد تمرکز زدایی در نظام آموزشی، مطلب بعدی مقاله است. سپس، جایگاه فراگیران در سیستم آموزشی و توجه به خلاقیت فراگیران مطرح می گردد. بررسی محیط های آموزشی، فناوری اطلاعات و توسعه ی منابع انسانی، قسمتهای انتهایی مطالب این نوشتار را تشکیل می دهند. در پایان نیز، نسبت به جمع بندی و نتیجه گیری مطالب مذکور، اقدام شده و بر اساس یافته های مندرج در مقاله، به منظور تقویت و بهبود نظام آموزش و پرورش کشور، پیشنهادهای مطرح می گردد.

## مقدمه:

در سه دهه ی گذشته، کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، با فراز و نشیب فراوانی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی مواجه بوده اند. در رویارویی با بسیاری از چالش های بالقوه ی آینده، سیستم آموزشی به عنوان سرمایه ای ضروری در تلاش برای تحقق اهداف مربوط به توسعه، تلقی شده و مهم ترین ابزار موجود برای پیشبرد برنامه ها و واقعیت بخشیدن به آرمان های هر ملت محسوب گردیده است.

در آغازین سالهای قرن جدید، ضروری است که همه ی انسان ها مسوولانه به اهداف و ابزار تعلیم و تربیت توجه کنند. چالش های بزرگ در تمامی ابعاد وسیع جامعه، چشم اندازی از ضرورت نوآوری، احیاء و ابداع را به ما نشان می دهد. چگونه ممکن است این چالش های بزرگ، توجه سیاستگذاران آموزشی را جلب نکند؟

برای رسیدن به این هدف، باید با تنش های اصلی روبرو شویم و بر آنان فائق آییم، تنش میان جوامع جهانی و محلی، تنش های همگانی و فردی، تنش میان سنت و تجدد، تنش میان ملاحظات دراز مدت و کوتاه مدت و بالاخره تنش میان توسعه ی فوق العاده ی دانش و ظرفیت تطابق بشر با آن و در نهایت، عامل همیشگی دیگر، تنش میان معنویات و مادیات است که غالباً جهان بدون شناخت آن آرزوی دستیابی به آرپن ها و ارزش هایی را که ((اخلاق)) نام دارد، در سر می پروراند. در این جا وظیفه ی متعالی سیستم آموزشی و اهمیت جایگاه آن مشهود و مشخص می گردد و این گفته اغراق نیست که بقای انسان ها به اجرای این وظیفه، بستگی دارد.

رسالت اصلی آموزش و پرورش، توان بخشیدن به فرد فرد انسان ها در جهت توسعه ی کامل استعدادها و نیز شناخت توانمندی های خلاق خویش است و این هدف بر سایر اهداف آن، ارجحیت دارد حصول این هدف هر چند دشوار و طولانی است، اما در جهت جستجوی جهانی عادلانه تر و بهتر برای زیستن ، ضروری محسوب می شود این امر زمانی تحقق خواهد یافت که همه چیز سر جای خود قرار گیرد.

بهره گیری صحیح از سیاست های اصلاحی به دور از هر گونه افراط و تفریط و یا تعصب کورکورانه می تواند دگرگونی های مثبتی را در سیستم آموزشی ایجاد کند . کوشش در جهت اصلاحات آموزش و پرورش، مشروط بر ایجاد هماهنگی و تجانس در لایه های مختلف نظام آموزش، قرین با توفیق خواهد بود. در این راستا، قبل از هر گونه اقدامی ضرورت دارد که ویژگی های آموزش و پرورش کارآمد ( یا آموزش و پرورش کارآ و اثر بخش ) ، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

### نگاهی به ژاپن

کشور آتشفشانی و زلزله خیز ژاپن از ۴ جزیره بزرگ و ۳۹۰۰ جزیره کوچک تشکیل شده است. مساحت ژاپن ۳۷۸ هزار کیلومترمربع - کمتر از یک چهارم ایران - و جمعیت آن ۱۲۵ میلیون نفر - یعنی ۲ برابر ایران - است . بیش از ۶۷ درصد این کشور را کوه و جنگل و ۱۵ درصد آن را زمین های کشاورزی فراگرفته است . این کشور فاقد هرگونه منابع طبیعی مثل نفت و گاز است ولی درآمد سرانه مردم آن ۳۸ هزار دلار - ۱۵ برابر ایران - است که این نشانگر آنست که سطح رفاه در این کشور آسیایی از آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی بالاتر است . عمر متوسط مردان ژاپنی ۷۸ و عمر متوسط زنان این کشور ۸۵ سال است . - ۱۵ سال بیشتر از ایران - دین و آیین مردم ژاپن شینتو و بودایی است و پیروان این آیینها حدود دو برابر جمعیت ژاپن هستند . زیرا که بیشتر مردم این کشور به هر دو آیین معتقدند . شینتو مجموعه ای از باورهای دیرینه ی ژاپنی هاست که بر اساس آن کلیه مظاهر طبیعت مانند کوه و ستاره و دریا خدایگان جداگانه ای دارند و باید پرستش شوند . طبق آیین شینتو روح انسان بعد از مرگ جاودانه باقی می ماند اما جهان دیگری وجود ندارد . بنابراین پاداش و کیفری هم برای اعمال آدمی نیست . آیین بودایی در اواخر قرن ششم پیش از میلاد - ۲۶۰۰ سال قبل - توسط بودا و در کشور هند پایه گذاری و از طریق چین و کره به ژاپن راه یافت . طبق آیین بودایی روح افراد پس از مرگ به بدن فرد دیگری منتقل می شود . و در آنجا برحسب راحتی و سختی زندگی او ، به پاداش یا عقاب می رسد . مهمترین ویژگی مردم ژاپن سخت کوشی ، قناعت ، نظم و روحیه همکاری و مشارکت آنهاست . کشور کوچک ژاپن در کناره ی اقیانوس آرام طی چند دهه ی اخیر توانسته است خود را به عنوان یکی از امپراطوران تکنولوژی ، صنعت و اقتصاد به جهان معرفی نماید مسلماً منابع نفت و گاز باعث توسعه ی این کشور آتشفشانی و زلزله خیز نشده است بلکه توجه به نیروی انسانی و مدیریت و برنامه ریزی آن ، راز توسعه ی ژاپن بوده است .

### تاریخ مدارس ژاپن

تاریخ آموزش و پرورش ژاپن را می شود به دو دوره ی قبل و بعد از « انقلاب میجی » تقسیم کرد . این انقلاب ۲۰ سال بعد از اصلاحات امیرکبیر در سال ۱۸۶۸ میلادی آغاز و ادامه پیدا کرد . تا قبل از این انقلاب ۲ نوع مدرسه در ژاپن بود «مدارس هانکو» ویژه ی سامورایی ها و «مدارس تراکویا» مخصوص آدم های عادی . در سال ۱۸۷۱ یعنی ۳ سال بعد

از انقلاب میجی، آموزش و پرورش ژاپن تاسیس شد. در سال ۱۸۷۲ تقریباً ۲۸ درصد از افراد لازم‌التعلیم به مدرسه‌ی ابتدایی می‌رفتند. و یکصد هزار نفر در دبیرستان ثبت نام کردند. در سال ۱۹۲۰ این میزان به یک میلیون و دویست هزار نفر افزایش پیدا کرد. در سال ۱۹۴۸ آموزش نابینایان اجباری شد. در سال ۱۹۸۶ بیش از ۹۰ درصد کودکان ژاپنی به پیش‌دبستانی رفتند و ۹۴ درصد دانش‌آموزان به مرحله‌ی دوم دبیرستان راه یافتند.

### ساختار آموزش و پرورش ژاپن

تعلیم و تربیت ژاپن به عهده‌ی وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن است. این وزارت آموزش کودکان را از دوره‌ی ابتدایی آغاز می‌کند و تا پایان دانشگاه ادامه می‌دهد. علاوه بر مدارس و دانشگاه، مراکزی مانند موزه‌ها، نمایشگاه‌ها سالن‌های تئاتر و سینما نیز زیر نظر این وزارت است نحوه اداره مدارس، انتخاب کتاب‌های درسی، استخدام نیرو و تعیین روزهای فعالیت مدارس به عهده‌ی شورای آموزش و پرورش «است. هر استان، شهر و روستا شورای آموزش و پرورش دارد. این شوراها ۳ تا ۵ عضو دارد و توسط استاندار یا فرماندار به مدت ۴ سال انتخاب می‌شود. هزینه‌ی آموزش و پرورش همچون اداره‌ی آن بین دولت مرکزی، استانداری و شهرداری تقسیم می‌شود. در سال ۱۹۸۴ حدود ۳۰ درصد هزینه مدارس را دولت، ۴۴ درصد را استانداری و ۲۶ درصد را شهرداری به عهده داشته است.

### استانداردهای مدارس ژاپن

مدارس ابتدایی در ژاپن بسیار جالب و دیدنی اند. ساختار و نظام آموزش ابتدایی ژاپن به پرورش شخصیت کودک در این دوره بسیار توجه دارد. فضای فیزیکی مدارس ابتدایی بسیار مجهز و در خور توجه است. اکثر مدارس ابتدایی در ژاپن استخر دارند و فضایی فیزیکی آنها بسیار تمیز و با طراوت است. اما چرا مدارس ابتدایی؟

در طول بیش از یک صد سال، رهبران و دولت مردان ژاپنی به دوره‌ی آموزش ابتدایی به عنوان محوری سرنوشت ساز در توسعه‌ی ملی نظر داشتند، چنان که آری نوری، موری (معمار مدرنیزاسیون ژاپن) در سال ۱۸۸۵ مینویسد: «۹۹ درصد دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی در ژاپن، در مدارس ابتدایی دولتی، در محل اقامت خود درس می‌خوانند در این دوره آموزش رایگان است و فرزندان تمام ساکنان محل اجازه‌ی ثبت نام دارند (ایل بیگی، ۱۳۸۵).

مساحت هر کلاس عادی در ژاپن ۷۴ متر است و مساحت هر مدرسه‌ی ۶ کلاسه ۱۰ هزار متر مربع و مساحت هر مدرسه‌ی ۱۲ کلاسه ۱۶ هزار متر مربع است. هر مدرسه‌ی ابتدایی دارای اتاق تکثیر، اتاق بهداشت، اتاق موسیقی، سالن غذاخوری، سالن ورزش و استخر سرپوشیده و زمین چمن است. در سال ۱۹۸۶ بیش از ۹۵ درصد مدارس دارای سالن ورزش با مساحت حداقل ۸۰۰ متر و حدود ۸۱ درصد مدارس ابتدایی و ۷۰ درصد مدارس متوسطه دارای استخر سرپوشیده بوده است. مدارس ژاپن دارای امکانات کافی در بخش سمعی، بصری است. در سال ۱۳۶۸-۱۹۸۹ شمسی - حدود ۹۹ درصد مدارس دارای تلویزیون اورهد و ویدئو بوده است. در سال ۱۹۹۸ به طور متوسط هر مدرسه‌ی ابتدایی ۱۰ رایانه داشت این تعداد برای متوسطه بیشتر است. در سال ۱۹۹۲ بیش از ۹۹ درصد دانش‌آموزان ابتدایی و ۸۲ درصد دانش‌آموزان مدارس متوسطه نهار دریافت می‌کردند.

## آموزش در مدارس ژاپن

ساعت حضور دانش آموزان در مدارس ۴۴ ساعت در هفته است. و از ساعت ۸ صبح تا ۴ عصر به صورت پیوسته ادامه دارد. دانش آموزان ابتدایی ۲۲ ساعت و متوسطه ۱۶ ساعت در کلاس درس سپری می کنند و بقیه با برنامه هایی مانند فعالیت های گروهی، جشن ها و نهار و استراحت سپری می شود. - دانش آموزان مدارس ابتدایی ایران ۲۴ ساعت و درمقاطع راهنمایی و متوسطه ۳۶ ساعت به مدرسه می روند که تقریباً تمام این ساعات در کلاس سپری می شود. - هر سال تحصیلی ۲۴۰ روز است. - در ایران کمتر از ۱۸۰ روز - در مدارس ابتدایی به ایجاد محیطی شاداب، جذاب، دوستانه و با نشاط بیشتر از آموختن مسائل علمی تاکید شده است. معلمان عقیده دارند دانش آموزان این مقطع برای یادگیری علم به مدرسه نمی آیند بلکه هدف از مدرسه دیدار دوستان است. در مدارس ابتدایی به بازی، کاردستی، موسیقی و خانه داری - آشپزی و خیاطی و نظافت - توجه بسیار می شود. این گونه برنامه ها یک سوم اوقات دانش آموزان را به خود اختصاص می دهد. دانش آموزان مدارس ژاپن از همان کلاس اول ابتدایی در برنامه ای با عنوان به سوی کار به یادگیری و انجام حرفه هایی مانند زراعت و صنعت می پردازند.

## یادگیری در طول زندگی

یکی از برنامه های مدارس ژاپن اجرای برنامه های یادگیری در همه زندگی است. در حقیقت یادگیری در تمام عمر به اندازه آموزش و پرورش رسمی اهمیت دارد. شعار آنها این است هر فرد در هر جا و هر زمان باید بیاموزد. ایجاد مراکز دانشگاهی مکاتبه ای، مدارس شبانه و دانشگاه سیما برای این منظور فعالیت می کند.

## ویژگی های فرهنگ مدارس در ژاپن

۱- اهمیت فراوان قائل شدن برای آموزش و پرورش، توسط مردم و دولت ژاپن (ژاپن بیش ترین سهم از تولید ناخالص ملی را صرف دوره های آموزش پیش دبستانی و ابتدایی می کند).

۲- تاکید بر کار گروهی (کار تیمی).

۳- انعطاف فکری و نوپذیری.

۴- نظام آموزشی کارآمد و کیفیت بالای آموزش.

۵- پیشکار، صبر و حوصله و انضباط درونی.

۶- احترام به دیگران.

۷- روحیه ی همکاری دسته جمعی.

۸- انضباط و شوق به کار.

۹- ثبات.

۱۰- شوق یادگیری.

۱۱- اخلاق کار تلاش.

۱۲- گرایش ژاپنی ها به رهبری جمعی در زمینه ی مدیریت.

۱۳- تاکید بر جنبه ی کاربردی آموزش.

۱۴- شیوه ی آموزش عمل گرا و تاکید بر آزمایش و پژوهش.

۱۵- مشارکت فعال دانش آموزان در کارهای مدرسه(تعاون و همراهی گروهی)

۱۶- مدرسه در ژاپن، محل زندگی دانش آموزان است.

۱۷- سعی در بالا بردن اعتماد به نفس دانش آموزان در مدارس.

۱۸- تلاش مدارس ژاپنی برای رشد خلاقیت و روحیه ی کار گروهی در دانش آموزان.

۱۹- مورد توجه بودن بازی های آزاد در مدارس.

۲۰- تربیت بچه ها برای زندگی در جامعه.

۲۱- درگیر کردن بچه ها به صورت عملی در امور مدرسه.

۲۲- پرورش حس مسئولیت پذیری.

۲۳- تاکید بر رفاقت بین دانش آموزان، به جای رقابت.

۲۴- تاکید بر دوستی و همکاری بین بچه ها.

۲۵- همکاری دانش آموزان در نظافت مدرسه.

۲۶- همکاری بسیار نزدیک خانواده(اولیا)با مدرسه.

۲۷- توجه به خودفرمانی یا خود مدیریتی.

۲۸- تاکید بر رشد اجتماعی(سهم زیادی از آموزش در ژاپن به زندگی اجتماعی و رشد اجتماعی اختصاص دارد).

۲۹- ایجاد فرصت های مساوی برای همگان.

۳۰- آموزش (پرورش) کودکان به یک روش.

۳۱- معلمان در نقش هادی و راهنما (معلمان مربی اند، نه مستبد)

۳۲- ضروری بودن تفریح و شادی در مدارس ژاپن.

۳۳- وادار کردن دانش آموزان به مشارکت و همکاری با تفریح و شادی.

۳۴- تقسیم شدن کلاس ها به گروه های کوچک.

۳۵- آموختن شادی و لذت به فرا گیران.

۳۶- نبودن تعارض و دشمنی بین معلم و شاگرد.

۳۸- هیچ دانش آموزی در دوره ی ابتدایی مردود نمی شود . هیچ دانش آموزی از مشارکت در فعالیت ها منع نمی شود (بختیاری، ۱۳۸۸).

برنامه ی درس ملی ژاپن در بردارنده ی راه کار هایی برای فعالیت های غیر درسی دانش آموزان است ( برنامه ی نظافت مدرسه). از آنجا که در مدارس ژاپنی سرایدار وجود ندارد، پاکیزه نگه داشتن کلاس ها، راهروها یا سرویس های بهداشتی و زمین های بازی بر عهده ی دانش آموزان است.

به زعم برخی پژوهشگران (لوییس، سر کار آرنی و دیگران)، در مدارس ژاپن آموزش قلب ها و اندیشه های بچه ها مد نظر است.

پژوهش لوییس (۱۹۹۵)، نشانگر تجلی فرهنگ ژاپنی در فرایند آموزش و یادگیری در مدارس ژاپن به صورت حیرت انگیزی در قالب سناریو های فرهنگی مدیریت می شود و آموزش و پرورش تا حدود زیادی فرهنگی است.

پژوهش های انجام شده در خصوص فرهنگ آموزش و پرورش مدارس ژاپن به طوری که در چندین آزمون بین المللی، کشور ژاپن به لحاظ آموزش و پرورش، جزو کشور های برتر جهان بوده است . هم چنین مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش عمومی در ژاپن، به ویژه آموزش ابتدایی، از کیفیت بسیار بالا برخوردار است (سرکار آرنی، ۱۳۸۴).

ویژگی مهم فضای فرهنگی مدارس ژاپن در دوره ی ابتدایی، سرزندگی، شلوغی، شادابی، شادی و جار و جنجال کلاس است. معلمان ژاپنی بر خلاف همکاران خود در سایر کشورها، تلاشی برای ساکت و بی حرکت نگه داشتن دانش آموزان خود نمی کنند. از آن جا که دانش آموز مجاز است با بغل دستی خود صحبت کند، برای تراشیدن مدادش از جا بلند شود یا پرده ها را بکشد، این قبیل کارها اختلال در نظم کلاس به شمار نمی رود، بنابراین، نظم و انضباط تحمیلی نیست، کلاس ها شلوغ و پر جا و جنجال است و این امر از نظر معلمان بدون اشکال می باشد.



معلمان به عنوان یک برنامه‌ی موظف، سالانه به نوبت دست کم از یک مدرسه دیدار کرده ضمن بازدید از کلاس‌های درس گفت و گوهای با همکاران درباره‌ی موضوع‌های مختلف تدریس و فعالیت‌های آموزشی مدرسه، گزارشی از مشاهده‌های خود نکاتی که آموخته‌اند ارائه می‌دهند. از اداره‌ی آموزش و پرورش هر منطقه راهنمایان مجری دعوت می‌شوند تا ضمن بازدید از مدرسه و فرایند یاددهی، یادگیری و پرورش حرفه‌ای معلمان به بحث بپردازند. آنها تلاش می‌کنند تا معلمان را دریافته و راه‌های نوین، برای بهسازی فعالیت‌های آموزشی یاری دهند. سرگروه‌های آموزشی مدرسه به نوبت در کلاسهای درس سایر معلمان شرکت می‌کنند و ضمن مشاهده دقیق فعالیت‌های آموزشی و ارتباط او با دانش‌آموزان، پس از اتمام کلاس در جلسه‌ای همراه با معلم مربوط به ارزیابی فعالیت‌ی انجام شده در کلاس می‌پردازند و معلم را در یافتن روش‌های بهتر تدریس، تهیه مواد آموزشی و دفع مشکلات آنها یاری می‌کنند

نگاه اجمالی به پدیده برنامه‌ریزی آموزشی:

با نگاهی به روند کمی و کیفی آموزش و پرورش در تمام جهان و به ویژه در سطح جهان سوم در دهه‌های اخیر، به خوبی متوجه می‌شویم که ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش، موضوع فوق‌العاده حساسی بوده که بروز بحران جهانی آموزش و پرورش از جمله نشانه‌های آن است.

هلاک ضمن بررسی روند توسعه منابع انسانی و آموزش و پرورش در سه دهه‌ی اخیر به مشکلات ناشی از افزایش هزینه‌ها و کاهش کیفیت اشاره نموده و سه نیاز اساسی را در میان نیازهای دیگر غالب می‌داند:

۱- توجه بیشتر به کیفیت آموزش و پرورش

۲- صرف منابع مالی بیشتر برای تولید مواد آموزشی مناسب و تربیت معلمان صالح و توانا

۳- بهبود و اصلاح مدیریت و امور اداری و البته، پشتیبانی معنوی و علمی از نظام آموزش و پرورش.

اجرای یک برنامه مبتنی بر طراحی کیفیت آموزش و پرورش، مستلزم اطلاعات آموزشی جدید می‌باشد و تقویت تصمیم‌گیری توسط افراد و مقامات، مستلزم تعیین مجدد اختیارات و مسؤولیت‌های آموزشی خواهد بود نهایتاً این که حتی اگر یک نظام اطلاعات آموزشی به خوبی طراحی و اجرا گردد، آثار آن بر کیفیت آموزشی به واسطه‌ی زمینه‌ی سازمانی که در آن عمل می‌کند، تعیین خواهد شد.

بسیاری از وزارتخانه‌های آموزش و پرورش در سرتاسر جهان، بر اساس یک مبنای سالانه که سرشماری کاملی از مدارس را در بردارد، اطلاعات زیادی را درباره‌ی مجموعه یکسانی از شاخص‌ها جمع‌آوری می‌کنند، بدون این که فکر کنند این اطلاعات مفید است یا خیر و بدون این که برنامه‌ریزی ویژه‌ای بر اساس آن انجام گیرد یک توجیه عمومی برای این روش آن است: ((این کاری است که همواره آن را انجام داده ایم!)) بازنگری جامع در مورد جمع‌آوری اطلاعات و چگونگی استفاده از یافته‌های مفید و واقعی می‌تواند در پاسخگویی به سؤالات کلیدی مربوط به اصلاح فرآیند برنامه‌ریزی و بهبود کیفیت آموزش کمک کند. این امر مربوط به کلیه‌ی تصمیم‌گیرندگان آموزشی-سیاست‌مداران در دولت‌های ملی تا مدیران مدارس و معلمان- می‌باشد (هلاک، ۱۳۷۲).

بازنگری در مسائل آموزشی نیاز به برنامه‌ریزی به عنوان یک مهارت، تخصیص منابع مالی، انسانی و کالبدی دارد و ایجاد هر نوع تغییری در مقولات یاد شده مستلزم پژوهش‌های آموزشی کیفی و میان‌رشته‌ای است همچنین برای ترسیم وضع مطلوب ضرورت دارد دورنمای گسترده تری در نظر گرفته شده و چشم انداز دقیق تری از آینده مدنظر قرار گیرد.

از ویژگی های بارز آموزش و پرورش کارآ و اثربخش ، استفاده از برنامه ریزی استراتژیک به عنوان یک فرآیند پویا با دورنگری نسبت به واقعیات و موقعیت های موجود است که ارائه ی راهبرد ها و تاکتیک ها ی موثر برای رسیدن به فردای بهتر را امکان پذیر می سازد. در این نوع برنامه ریزی، مشارکت همه ی افراد ذی نفع، ذی ربط و ذی علاقه بر مبنای بازاندیشی، موجب می شود تا در قالب استفاده از ساز و کار برنامه ریزی استراتژیک ، ضمن تعریف آینده مطلوب و شناخت وضعیت موجود ، به تعیین نیازها پردازند و برای رفع آنها به گونه ای ((فراکنشی)) اقدام کنند.

گستره ی آموزش و پرورش نوین:

زبان تعلیم و تربیت در دنیای امروز، زبانی ((جهانی است))، هر چند که مضمون آن بر اساس فرهنگ ها می تواند ((محلی)) و ((بومی)) باشد. در قرن جدید، جهان به دستاوردهای تازه ای نایل شده و تعلیم و تربیت نیز ، از حیث روش ، محتوا و اهداف ، شکل دیگری به خود گرفته است.

تحول در عرصه ی آموزش و پرورش به گونه ای است که امروزه ایجاد نظام آموزشی مبتنی بر مشارکت و مهم تر از آن تشکیل کلاس های مجازی با استفاده از پیشرفته ترین فناوری های اطلاعاتی مورد توجه قرار گرفته است. عصر جدید، عصر یگانگی انسان ها، عصر ایجاد دهکده ی جهانی، عصر ماهواره و عصر یورش به قلمروی کهکشان ها نام گرفته است. در نتیجه تحولات مذکور، این سوال مهم مطرح است که آیا سیستم آموزشی رایج در جهان امروز با استفاده از روش های معمول می تواند به حیات خود ادامه دهد؟ مسلم است که به منظور پیشرفت و روزآمد شدن نظام آموزشی، خروج آموزش و پرورش از تنگنا و محدوده ی زمانی و مکانی و تعامل با جامعه جهانی ، ضرورتی اجتناب ناپذیر محسوب می شود(عطاران، ۱۳۸۱).

تغییر در ساختار سیستم آموزش از صورت نظام بسته و مکانیکی و تحول آن به شکل ارگانیک، پویا ، باز و انعطاف پذیر ، امری غیر قابل انکار است. در این حالت ، تعلیم و تربیت، همه ی ابعاد شخصیت و تمامی لایه های زندگی فردی و اجتماعی را در برمی گیرد.

همان مفهومی که سازمان یونسکو با عنوان کلی " یادگیری گنج درون " ، بر چهار ستون "یادگیری زیستی" ، "باهم زیستن" ، " انجام دادن " و " دانستن " یاد کرده است و اخیراً آن را در سه حیطه ی موسوم به سه ( H ) یعنی سر Head " ، قلب " Heart " و دست " Hand " ، تعریف کرده است. " سر " به منزله ی پایگاه اندیشه، تفکر و عقلانیت، "قلب" به منزله ی کانون عشق و مهر و ایمان و " دست " به منزله ی توانستن و انجام دادن و کسب مهارت های ضروری زندگی ، تلقی شده اند(دفتر همکاری های علمی بین المللی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۶).

محتوای برنامه ریزی آموزشی در سیستم تعلیم و تربیت نوین به تناسب ویژگی های اقلیمی و با حفظ سیاست های کلی آموزش و پرورش بایستی قابلیت انعطاف داشته باشد و برنامه ریزی اقتضایی، جایگزین برنامه ریزی ایستا و انجمادی گردد. در منطق تعلیم و تربیت نوین، هر کس، شخصاً حاکم و عامل ترقی فرهنگی و اخلاقی خویش خواهد بود و خود آموزی، خود رهبری و خودگردانی در فرآیند یادگیری تقویت می شود در واقع، فرهنگ ها و ارزش ها از نو بازسازی و بازآفرینی می شوند.

در هر حال فرآیند ((جهانی شدن))، موضوعی جدی و حائز اهمیت می باشد و توسعه فعالیت ها و همکاری بین المللی را

می طلبد.

آموزش و پرورش جهانی و آموزش و پرورش شهروندی به عنوان ضرورت های اجتناب ناپذیر قرن جدید مورد تأکید پنجمین کنفرانس بین المللی یونسکو [در خصوص آموزش و پرورش] نیز قرار گرفته است. این کنفرانس، اشارات متعددی به پدیده ی جهانی شدن داشته و ویژگی های آموزش و پرورش نوین را در ابعاد ذیل مطرح نموده است:

- ۱- آینده نگری و آینده شناسی با توجه به پدیده ی جهانی شدن و زندگی در جوامع فاقد مرز
- ۲- توجه و تأکید جدی به چهار رکن اساسی یادگیری: یادگیری برای زیستن، دانستن، انجام دادن و زیستن با یکدیگر
- ۳- تعلیم و تربیت همه جانبه و استفاده از تمام ظرفیت های انسانی و توجه به مفهوم بهره ی عاطفی EQ و تأکید بر ضرورت توجه بیش از پیش بر پرورش ظرفیت های عاطفی در نظام های تعلیم و تربیت
- ۴- به کارگیری شیوه های فعال مشارکتی و تجربی در آموزش
- ۵- تأکید بر ضرورت پرورش تفکر جانبی و تفکر خلاق در دانش آموزان و عدم تکیه انحصاری بر تفکر تحلیلی.
- ۶- تأکید بر ظرفیت روحانی بشر و بهره گیری از آن به عنوان مکمل ظرفیت عقلانی با توصیه هایی از قبیل: تشویق به دعا و مناجات در آموزش و پرورش، غور در باطن، و تأکید بر کسب هرچه بیشتر هشیاری و آگاهی ماورایی به عنوان منابعی ارزشمند در جریان تعلیم و تربیت.
- ۷- توجه به ظرفیت یا توانایی شهود یا درک شهودی و ضرورت حسن استفاده از آن در تعلیم و تربیت.
- ۸- اهمیت ویژه ی خلاقیت و هنر در نظام های آموزشی با عنایت به نقش والای هنر در تلطیف روح انسانی و تأثیر آن در رشد نگرش عاطفی، انسانی و درک زیبایی. این نوع نگرش در حیات انسان قرن بیست و یکم در جهت زیست توأم با آرامش و تفاهم، نقش اساسی دارد.
- ۹- استفاده از تکنولوژی نوین اطلاعات و ارتباطات در نظام های آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم به نحوی که تعلیم و تربیت در حد استفاده صرف از تکنولوژی تقلیل نیابد و تعامل چهره به چهره ی معلم با دانش آموزان، اهمیت خود را از دست ندهد.
- ۱۰- عدم جهت گیری انحصاری اصلاحات آموزش و پرورش در راستای مسائل اقتصادی و تجاری و مهارت آموزی، به نحوی که نظام های آموزش از اهداف و ابعاد دیگر تعلیم و تربیت باز نماند.
- ۱۱- توجه به کاربرد ((هوش متکثر)) به ویژه در طراحی و تدوین برنامه های درسی و در جریان آموزش (نظریه ی هوارد گاردنر)
- ۱۲- تأکید بر آموزش ارزش هایی مانند عشق ورزیدن، صلح، احترام به محیط زیست و تعاون و همکاری در اجرای هرچه بهتر برنامه های درسی.
- ۱۳- اتخاذ رویکردهای تلفیقی [تئوری-کاربردی-عملی] در آموزش و پرورش و به کارگیری شکل خاصی از آن در برنامه های درسی و قرار دادن ساعاتی از هفته در قالب ((زنگ مطالعه ی تلفیق)) به عنوان یک ماده ی درسی جدید.
- ۱۴- توجه بیشتر به اصلاح و بهبود وضعیت آموزش پایه در کشور بویژه از حیث ارتقای کیفیت آموزش ها، افزایش زمان مفید آموزش و بالاخره تعریف مجدد از سواد و اقسام آن مانند سواد کامپیوتری، سواد تکنولوژی، سواد فرهنگی و...

هر یک از موارد فوق می تواند در تعیین میزان کارآمدی نظام آموزش و پرورش به عنوان پارامتری اساسی مورد توجه واقع شود (مهر محمدی، ۱۳۷۸).

آموزش و پرورش کاراً و اثربخش در آینه ی تجارب سایر کشورها:

مسلمان یکی از مهم ترین ارکان پیشرفت هر جامعه، آموزش و پرورش آن جامعه است و تجربه نشان داده که چگونگی وضعیت آموزش و پرورش در کشورهای مختلف، در مسیر رشد و یا انحطاط هر کشور در طول حیات تاریخی آن، تاثیرگذار است. جامعه پیشرفته، قطعاً از سیستم آموزشی مدرن و مترقی برخوردار است و این سیستم مترقی، مسلمان در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی مذهبی و اخلاقی تاثیرگذار است. در این راستا، مطالعه ی تجارب علمی و عملی کشورهای که در این زمینه، اقدامات مثبت و موقعیت مناسبی داشته اند، مفید و مؤثر است. البته استفاده از تجارب مفید دیگران به شرطی مثمرتر خواهد بود که اندیشه ها و آرمان های ملی فراموش نشود. یک ضرب المثل چینی می گوید: (( اگر برنامه ای یک ساله داری، گندم بکار، اگر برنامه ای ده ساله داری، درخت گردو بکار و اگر برنامه ای صد ساله داری، مدرسه بازکن)).

با نگاهی گذرا به سیر تحولات کشورهای پیشرفته ی علمی- صنعتی در می یابیم که این گونه کشورها با آینده نگری دقیق و سرمایه گذاری فراوان در آموزش و پرورش خویش، نیل به اهداف نهایی خود را تسهیل نموده اند. ژاپن از جمله کشورهایی است که در امر آموزش و پرورش بسیار موفق بوده و انظار عمومی دیگر کشورهای جهان را به خود معطوف داشته است. این کشور با دورنگری و دوراندیشی زایدالوصفی برنامه ی صدساله ای را برای جامعه ی خویش پی ریزی کرده و در جهت دستیابی به آن از هیچ گونه تلاش و کوششی فروگذار ننموده است. اکنون و در آغاز هزاره ی سوم، ژاپنی ها برنامه و سناریوی خود را برای قرن آتی مدون کرده و امکانات و تجهیزات و وسایل و ایده های خویش را سامان بخشیده اند.

این که چرا و چگونه ملت ژاپن که محروم از منابع طبیعی است، با وجود موانع و مشکلات فراوان، هر روز بیش از پیش در جهان می درخشد، پرسشی همگانی است. تقریباً تمامی مردم دنیا ژاپنی ها را می ستایند و از آنان در زمینه های مختلف الگو می گیرند.

این ملت که از جهت جسمی و خصوصیات فیزیکی، هم ردیف یا ضعیف تر از دیگر ملتها بوده، ظرف چند دهه با اعمال آموزش های صحیح، وزن و قد شهروندان خود را افزایش داده و در مسابقات ورزشی درخشیده است. این ملت که از نظر هوش و استعداد ذهنی به مراتب پایین تر از بسیاری ملتها بوده، ظرف چند دهه گذشته در علم و تکنولوژی به اوج قدرت رسیده و حتی از آمریکا و اروپا پیشی گرفته است. آنچه که باعث پیشرفت و ترقی روزافزون ژاپنی ها شده بی گمان نشأت گرفته از روحیات فردی و جمعی مردم و اعمال نظام صحیح آموزش و پرورش در این کشور است.

سخت کوشی و خوداتکایی، صرفه جویی و قناعت، نظم و انضباط و استفاده ی صحیح از وقت از ویژگی های مثبت ژاپنی ها محسوب می شود. بسیاری از کسانی که از ژاپن بازدید داشته اند تحت تأثیر این روحیه قرار گرفته اند همچنین توجه به نظافت و بهداشت در میان خانواده های ژاپنی موجب گردیده که در مدارس، کودکان خود به تمیز کردن مدرسه بپردازند و به این جهت، مدارس که حداقل ۲۵۰۰ متر مربع مساحت دارد بیش از یک خدمتگزار ندارد. ژاپنی ها به کار گروهی بسیار بها می دهند و می توان گفت از عوامل بسیار مؤثر در پیشرفت ژاپن همین روحیه ی کار

گروهی است. مردم ژاپن دارای وجدان کاری بسیار بالایی بوده، مصالح مؤسسه ای که به آن وابسته هستند را بر مصالح خویش ترجیح می دهند.

تمامی این روحيات مدیون تعلیمات و آموزش های انجام گرفته در سیستم آموزشی کارآ و اثربخش ژاپن می باشد اصلاحات آموزشی در دوره های مختلف بنا بر مقتضیات زمان، انعطاف پذیری و توجه به فعالیت های عملی و عینی در فعالیت های کلاسی، از جمله مهم ترین ویژگی های ساختار آموزش و پرورش در این کشور است. درایت و دوراندیشی در تدوین اصول اساسی آموزش و پرورش و سعی بر اجرای یکایک آنها، زمینه های موفقیت آموزش و پرورش ژاپن را فراهم کرده است.

استانداردهای ملی برای تمامی سطوح مدرسه توسط وزارت آموزش و پرورش ژاپن انتشار می یابد و بدین وسیله، کیفیت بالای آموزش و پرورش در سطح کشور حفظ می گردد، این استانداردها شامل تأسیس مدارس، اندازه ی کلاس ها، مواد درسی، لوازم و تأسیسات و رسانه های آموزشی هر دوره می باشد. بودجه ی عمومی آموزش و پرورش از سه طریق به دست می آید: دولت، استانداری ها و شهرداری ها. هیچ نوع " مالیات آموزشی " در ژاپن وجود ندارد. با این حال در صدی از عایدات مالیاتی به امر آموزش و پرورش اختصاص می یابد.

در گردهمایی توکیو (۱۹۹۵)، نمایندگان بیش از بیست کشور صنعتی و در حال توسعه به اتفاق در مورد اهمیت و نقش کلیدی پژوهش های آموزشی در توسعه ی آموزش و پرورش تأکید نموده اند. کشور چین، برای دستیابی به آموزش و پرورش کارآ و اثربخش، فراهم ساختن دانش و اطلاعات برای فرآیند سیاستگذاری، سازمان دهی اطلاعات طی فرآیند پژوهش های آموزشی و استقرار مبانی نظری و فلسفی در زمینه ی آموزش را مورد توجه قرار داده است.

ایالات متحده نیز به کارگیری اصلاحات در کلاس درس، فعال کردن نظریه های یادگیری، افزایش ظرفیت نظام آموزشی، استقرار استانداردها و سنجش عملکردها، تجدید نظر در برنامه درسی و تخصصی شدن حرفه ی معلمی و تأثیر فن آوری در یادگیری و آماده سازی برای اشتغال را از اهداف اصلاحات در آموزش و پرورش به منظور نیل به کارآیی و اثر بخشی هرچه بیشتر، بر شمرده است.

در مجموع، اگر چه اهداف آموزش و پرورش در سراسر جهان مشابهت زیادی دارند و در مواردی با یکدیگر مرتبط هستند، با این حال، برای مقایسه میزان موفقیت های یکی نسبت به دیگری، نظر بر برنامه ریزان به عوامل مختلف و از آن جمله روش های به کار رفته در ساختار نظام آموزشی کشورهای مختلف جهان، جلب شده و بهره گیری از تجارب سایر کشورها در یافتن راه حل های اثر بخش برای دشواری های موجود آموزش و پرورش، اثرات مثبتی خواهد داشت (جعفریان، ۱۳۷۳).

حرکت به سوی عدم تمرکز می تواند به مثابه ی شیوه ای برای جلب مشارکت بیشتر مردم و بخش صنایع و مشاغل در تأمین نیازمندی های مالی دستگاه تعلیم و تربیت باشد.

زمانی که اندیشه ی بنیادین نظام جدید مدیریت آموزشی به شکل شورایی مطرح شده است، نباید اجازه داد که معضلات و مشکلات آموزش و پرورش کشور که بیشتر از تنگناهای مالی و شیوه های مدیریت متمرکز آموزشی سرچشمه می گیرد، دوباره، چهره ی خود را نمایان سازند و اصل بنیادین تساوی در بهره مندی از امکانات آموزشی را مورد تهدید قرار دهند. برای حل این معضلات، ضروری است که دولت مردان و دست اندکاران دستگاه تعلیم و تربیت کشور با تصویب قوانین و تأمین سرمایه های لازم و بسط منابع مالی بیشتر و اعمال ساز و کار اداری عدم تمرکز در

نظام آموزشی، از توانمندی های محلی و بومی بهره گیرند.

در این راستا جلب مشارکت عامه ی افراد باید در کلیه مؤلفه های مدیریتی، برنامه ریزی، و تصمیم گیری آموزشی انجام گیرد و صرفاً به جنبه های مالی و فیزیکی مشارکت، محدود نشود. جایگاه فراگیران در سیستم آموزشی:

اغلب صاحب نظران، معلمان و مربیان با صراحت و شفافیت، حداقل در باورهای ذهنی، مدعی هستند که برنامه های موفق و مطلوب در نظام تعلیم و تربیت، از طریق مشارکت فعال فراگیران و دخالت مستقیم آنان به اجرا گذاشته می شوند. بنابراین، آنچه همگی بر آن اتفاق نظر دارند، حضور مخاطب اصلی در صحنه ی تعلیم و تربیت است، اما کیفیت حضور و چگونگی ارزش گذاری هر یک از این عناصر، محل اختلاف و منشأ بروز سلايق و سازوکارهای مختلف تربیتی است.

با تکیه بر مفهوم واژه ی ((تربیت)) و تحلیل این واژه ی استراتژیک، می توان وجه تمایز بین روش های متفاوت تربیتی را به وضوح تشخیص داد. این واژه که از نظر معنا و مفهوم و محتوا، بسیار پیچیده می باشد، می تواند نگاه ما را به نوع تربیت فراگیران تغییر دهد.

برای مثال، بر اساس برداشت پاره ای از افراد، تربیت به معنای آرام کردن کودک سرکش است این طرز تفکر، از مفاهیم سطحی تربیت محسوب می شود.

نکته ی دیگری که شایان توجه است آن که، در تعلیم و تربیت کارآمد و فعال، ((شکوفای شدن)) جایگزین ((شکوفای کردن)) شده است. تفاوت این دو مفهوم از لحاظ روش شناسی بسیار زیاد است و حاکی از نوع نگرش نسبت به فلسفه ی آموزش و پرورش می باشد.

خودجوشی فراگیران و دست یابی به قابلیت های خودباوری و خودرهبری، زمانی میسر می گردد که مقدمات شکوفای شدن استعدادها فراهم شود و مربی به جای فاعل و قیّم، نقش هادی و مراقب غیر مستقیم را بر عهده گیرد، زیرا در ((شکوفای کردن))، به فراگیر ((یاد داده می شود)).

و او ((اندیشه آموزشی)) می کند، اما در ((شکوفای شدن))، فراگیر ((یاد می گیرد)) و ((اندیشه ورزی)) می کند.

گاه مشاهده می شود که علی رغم سرمایه گذاری، تبلیغ، طرح و اجرای برنامه های مختلف در سیستم آموزشی، نتایج مطلوب و دلخواه حاصل نمی آید. واقعیت آن است که در اجرای این برنامه ها، طبیعت، نیازها، رغبت ها و پیچیدگی های فراگیران به عنوان هدف اصلی نادیده گرفته می شود و به همین دلیل در اغلب موارد، نتیجه ای عکس آنچه مورد نظر است، حاصل می شود.

بنابر این اگر در سیستم آموزشی، معنای درست دانش آموز محوری، جایگاه خویش را باز یابد و فرایند تعامل تعلیم و تربیت با ایجاد روابط عاطفی بین معلم و فراگیر، معنا و مفهوم یابد، آن گاه تلاش و کوشش در جهت نیل به اهداف مورد نظر، به ثمر خواهد رسید.

عامل مهم در این فرایند، تعامل بین معلم و دانش آموز است و نه فراگیری دستورالعمل های خاص. هنر کشف روش های بدیع و مبتکرانه، در موقعیت های منحصر به فرد، هنری است که باید از طریق همین تعامل خلق شود، زیرا با ارائه دستورالعمل یا فرمول خاص نمی توان در جهت کارایی یا اثربخشی نظام آموزش و پرورش، به توفیقی نائل شد باید به این نکته اساسی توجه داشت که در اغلب نظام های آموزشی موفق و کارآمد، توجه به نیازهای آتی، تحریک کنجکاوی و طرح سؤال در ذهن دانش آموزان، جایگزین توجه به رفع نیازهای موجود، لرضای کنجکاوی و حل مسأله

شده است، زیرا به قول مولانا:

((آب، کم جو، تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست))

بزرگترین اشتها آور گرسنگی است و اگر این گرسنگی و تشنگی در قالب کنجکاوی علمی و عقلانی ظاهر شود و افزایش یابد، چنین نیروی محرکه ای، قوه ی رشد و تعالی دانش آموزان را به حرکت و پویایی مداوم وا می دارد. نواندیشی و نوجویی دانش آموزان مستلزم حضور فعال و مستمر آنان در فرآیند یاددهی-یادگیری است و این حضور فعال به عنوان یک مقوله ی مهم و با ارزش محسوب می شود، به نحوی که غایت آموزش و پرورش، افزایش میل به دانستن در فراگیران و عمیق تر نمودن کنجکاوی آنان است.

در این کنش و واکنش، پیشروی تک تازانه و برتری سود گرایانه نهی شده و به جای آن همدلی و همراهی با دیگران و رجعت به ارزش های انسانی مورد تأیید قرار گرفته است.

در این زمینه انیشتین اظهار می دارد که:

((دانش آموزان را تشویق نکنیم که دست یابی به موفقیت های مرسوم را هدف زندگی خود قرار دهند زیرا در نگرش کنونی جامعه، معمولاً کسی را موفق می دانند که بتواند بیشتر از هم نوعان خود جلو بیفتد...)) (جمال زاده، ۱۳۸۱).

آقای دکتر کریمی (۱۳۸۱)، در بحث تعلیم و تربیت وارونه، پیرامون تکنیک های جاری تعلیم و تربیت و سیستم آموزشی از نظر کارآیی و تأثیرگذاری، اظهار می دارد که: ((به نظر می رسد ما متربی را همچون شیئی فرض کرده ایم که طبق قالب و طرح و برنامه ای که از بیرون و در ذهن خود برای آن در نظر گرفته ایم باید او را بسازیم و شکل دهیم)) و در ادامه این نوع عملکرد را ((دیدگاه صنعتی)) نسبت به فراگیران نامیده که با ((تعلیم و تربیت)) آنان، فرسنگ ها فاصله دارد. به زعم وی، این گونه است که فراگیر از هر نوع انگیزه ی درونی برای ابداع و ابتکار، تهی می شود.

توجه به خلاقیت فراگیران:

از دیگر ویژگی های مهم آموزش و پرورش کارآ و اثربخش اهمیت دادن به تربیت خلاق و فضا سازی برای تعامل مخاطب با محیط به منظور عادت زدایی است و این همان اصل ((تازگی معتدل)) در تربیت است که ژان پیاژه از آن در فرآیند تقویت و تجدد ساخت های شناختی یاد می کند. خلق موقعیت های جدید یادگیری، جادوی جاذبه ی یاددهی-یادگیری است، زیرا در پرتو همین موقعیت هاست که رخوت روزمرگی زایل می گردد و فراگیران طعم زندگی واقعی و یادگیری معنادار را می چشند. به ویژه در جریان زندگی پیچیده ی امروزی که هر لحظه در حال نو شدن است و خلاقیت و نوآوری، ضرورت استمرار زندگی فعال، محسوب می شود.

امروزه شعار ((نابودی در انتظار شماست مگر این که خلاق و نوآور باشید))، پیش روی انسانها قرار دارد و آموزش و پرورش، ترغیب به خلاقیت و نوآوری و همچنین هدایت و راهبری به سوی استفاده ی صحیح و جهتدار از استعدادها و توانایی های فودی را به عنوان امری مهم برعهده دارد که این خود زمینه ساز توسعه ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه است.

در جهان کنونی ثابت شده است که استعداد ابداع و خلاقیت در نوع بشر به همان اندازه ی حافظه، عمومیت دارد و می توان آن را با کاربرد اصول و فنون و روش های معین و صحیح و فراهم آوردن شرایط محیطی مناسب، پرورش داد.

اهمّ شرایط لازم جهت پرورش خلاقیت در دانش آموزان عبارتند از:

۱- فراهم آوردن فضای دوستانه و صمیمی در کلاس درس و محیط مدرسه؛ دانش آموز در چنین فضایی، در زمینه ی خلاقیت های کلامی بیشتر رشد می کند و تشویق می شود).

۲- ارائه ی آموزش های لازم به فراگیران در مورد فکر کردن، تمرکز حواس، طرح سؤال و حل مسأله.

۳- تقویت زمینه ی بروز تفکر سیال و طرح سؤالات ذهنی از سوی فراگیران.

۴- آشنا نمودن فراگیران با تصویر سازی ذهنی

با تحریک حس کنجکاوی، تفکر و ابتکار عمل در دانش آموزان، بازنگری بر محتوای مطالب درسی و به موازات آن بهره گیری از روش های فعال تدریس در دوره های مختلف تحصیلی، می توان در خصوص پرورش قدرت خلاقه ی فراگیران گام های مؤثری برداشت.

محیط های آموزشی:

ویلیام گلاسر در کتاب "مدارس بدون شکست" اظهار می دارد که مدارس، موفق نشده اند راه کسب هویت را با استفاده از نیازهای احساس مسوولیت و احساس ارزشمندی به کودکان بیاموزند وی شکست را از یک سو در ((مبادله ی محبت)) و از سوی دیگر در ((کسب احساس ارزشمندی)) خلاصه کرده است و مدرسه را کانون مهمی برای جلوگیری از این دو نوع شکست می داند و لزوم و چگونگی مشارکت مدارس در ارضای نیاز محبت دانش آموزان و مهم تر از آن فراگیری شیوه ی تفکر و حل مشکلات را علاوه بر علم در ارضای نیاز به احساس ارزشمندی به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار داده است. این موارد مربوط به جو عاطفی محیط های آموزشی و نوع روابط حاکم در مدارس می باشد.

شرایط فیزیکی محیط آموزشی نیز در کنار شرایط عاطفی در کارایی و اثربخشی نظام آموزش و پرورش، نقش مهمی را ایفا می کند. امروزه شرکت های بزرگ با استخدام متخصصان ((مهندسی و مدیریت منابع انسانی)) و صرف مقادیر زیادی از وقت و هزینه، در پی حصول این اطمینان هستند که آیا محیط فیزیکی - ساختاری آنها برای فعالیت کارکنان شان مناسب است یا خیر.

به همین ترتیب در طراحی فضاهای آموزشی باید ترتیبی داده شود که موجبات تسهیل در امر تفکر انتقادی و یادگیری فعال فراهم گردد. در حال حاضر و علی رغم ورود به قرن بیست و یکم، با قدم گذاردن به کلاس های درس در بسیاری از محیط های آموزشی ایران، شاهد عدم مطلوبیت و نقایص ساختاری آنها هستیم. برای مثال، همچنان در اغلب مدارس، صندلی ها یا نیمکت ها در یک صف مستقیم پشت سر هم قرار دارند، به طوری که دانش آموزان صرفاً بتوانند معلم را ببینند بدون این که قادر به دیدن تمام هم کلاسی های خود باشند و فرض بر این است که صرفاً معلم منبع تمام اندیشه ها و تفکرات مهم است.

در کلاس های کوچک، می توان وضعیت را به نحوی اصلاح نمود و باعث تبادل افکار بین دانش آموزان گردید میزها و صندلی ها را می توان به شکل های دایره ای، چهار گوش، یا نیم دایره مرتب کرد و از این طریق، حس مشارکت دانش آموزان در "فرآیند یاددهی- یادگیری" را تحریک و تقویت نمود. هدف اصلی باید این باشد که دانش آموزان قادر باشند تا ضمن تحرک در جای خود، گروههای کوچک چهار تا شش نفره تشکیل دهند و توسط معلم، در قالب محیطی دلپذیر، به سمت یادگیری هرچه بهتر هدایت شوند. می توان گفت بهترین محیط کلاس درس، محیطی است که در آن دانش



آموزان به مهمانانی شبیهند که از آنها به خوبی استقبال می شود و معلمان به منزله ی میزبانان مهمان نواز عمل می کنند.

از نظر شادابی و نشاط محیط یادگیری در سال های اخیر مباحثی مطرح و خوشبختانه گام های موثری برداشته شده است، اما نیاز به پی گیری و جدیت بیشتری احساس می شود در این رابطه، نقش مدیران مدارس، بسیار اساسی است زیرا یک مدیر می تواند با در نظر گرفتن سلايق و نیازهای دانش آموزان تغییراتی را در محیط مدرسه ایجاد نماید به نحوی که دانش آموزان احساس رضایت کنند و دلبستگی بیشتری به حضور در محیط مدرسه داشته باشند(گلاسر، ۱۳۸۱).

#### فناوری اطلاعات:

قرن بیست و یکم، قرن دانایی است. به عبارت دیگر، قرن تغییر از جامعه ی صنعتی به جامعه ی فراصنعتی یا جامعه ی اطلاعاتی است. با رشد و گسترش فناوری اطلاعات، دارائی های ناملموس به ویژه دانش و دانایی، نقش خود را پر رنگ تر کرده و باعث ایجاد ارزش افزوده می گردد.

اگر فرهنگ یاددهی- یادگیری در نظام آموزشی تحول نپذیرد نه تنها ورود فناوری اطلاعات به این نظام ، هیچ گونه تغییر و تحولی را ایجاد نخواهد کرد بلکه به تقویت سنت های محافظه کارانه ی آموزش خواهد انجامید زیرا این فناوری اطلاعات نیست که به تنهایی موجب تغییر می شود بلکه این انسان ها هستند که عامل اصلی تحول ، تلقی می کردند.

توسعه ی فناوری اطلاعات در نظام آموزشی کارآمد، نه فقط یک انتخاب بلکه یک ضرورت غیر قابل انکار است و گام مهمی در اصلاحات نظام های آموزشی محسوب می گردد.

همان گونه که پیش تر اشاره شد، کاربرد فناوری در آموزش و پرورش باید به نحوی انجام گیرد که تعاملات انسانی مخدوش نگردد و تعلیم و تربیت صرفاً در قالب استفاده از پاره ای دستگاه ها و وسایل مکانیکی خلاصه نشود(معین پور، ۱۳۸۲).

#### توسعه منابع انسانی در نظام آموزشی:

توجه به منابع انسانی در آموزش و پرورش و در رأس آن ، عنایت خاص به "معلم" به عنوان عامل اصلی در انسان سازی، کانون بحث آموزش و پرورش کاراً و اثربخش محسوب می گردد از این رو برنامه های تربیت معلم ایستا و خطی ، پاسخگوی نیازهای حرفه ای معلمی نیست و لازم است این برنامه ها با برنامه هایی جامع و کامل و پویا جایگزین شود.

برای قرن بیست و یکم از معلمان به عنوان ((کارشناسان یادگیری اثربخش)) یاد شده است. چنین معلمی با برخورداري از توان تفکر عمیق و انتقادی ، درباره ی اهداف و ارزش های آموزشی و برنامه های درسی می اندیشد، مشتاق ایجاد انگیزه و تشویق تک تک دانش آموزان است. در عین حال ، میزان پیشرفت و نیازهای یادگیری هر یک از دانش آموزان را به معنای وسیع می سنجد، حتی اگر این امر مستلزم صرف وقت خارج از برنامہ ی رسمی مدرسه باشد. برای تحقق چنین پنداره ای متعالی، فرصت ها برای توسعه ی مداوم حرفه ای باید فراهم گردد و منابع لازم بسیج شود. از این دیدگاه، سرمایه گذاری در آموزش به معنای سرمایه گذاری در توسعه ی مداوم حرفه ی معلمی

تعریف شده است.

اصولی که رعایت آنها در این فرآیند ضروری شناخته شده ، عبارتند از:

۱- توسعه ی حرفه ی معلمی ، امری مداوم ، مستمر و غیرقابل تعطیل است.

۲- توسعه ی حرفه ی معلمی باید خودگردان باشد ( اگرچه در مواردی، به یاری دیگران نیاز است).

۳- توسعه ی حرفه ی معلمی به حمایت مناسب و منابع کافی نیاز دارد.

۴- توسعه ی حرفه ی معلمی هم به نفع مدرسه و هم به نفع معلم است.

۵- استقرار کامل فرآیند توسعه ی حرفه ی معلمی ، به حسابرسی و ارزیابی مداوم نیاز دارد

به طور کلی در آموزش و پرورش به هیچ تحول علمی یا نوآوری مطلوب نمی توان دست یافت مگر این که پیشاپیش در شیوه های کاری معلمان، به عنوان کارگزاران حقیقی نظام آموزش و پرورش ، تغییرات مناسب به وجود آید رمز سلامت و بالندگی نظام های تعلیم و تربیت را باید در سلامت، رشد و بالندگی معلم جستجو کرد سرمایه گذاری مادی و معنوی در تربیت معلم برای افزایش توان حرفه ای معلمان، باید با عزمی راسخ صورت گیرد و به عنوان پشتوانه ی دائمی حرکت نسل ها به سوی تغییر و تحول به طور مجدانه ای استوار گردد و نهادینه شود همچنین توجه به مدیریت آموزشی به عنوان منبعی برای سازماندهی فعالیت و تأمین نیازهای آموزشی امری بدیهی است.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

از این مقاله می توان چنین نتیجه گیری نمود که نظام آموزشی کارآ و اثربخش ، نظامی است که با اهداف نهایی و نیازهای واقعی جامعه تناسب داشته و توانایی آماده سازی نسل جوان را برای نیل به اهداف دارا باشد اگر مسؤولین برنامه ریزی در همه ی سازمان ها و مؤسسات کشور، وظیفه ی خود را به نحو احسن انجام دهند و بهترین برنامه ها را برای رفع مشکلات و پیشرفت در جهت مطلوب تدوین کنند و برای آنها بودجه کافی نیز در اختیار داشته باشند اما نیروی انسانی لازم برای اجرای برنامه ها از قبل تأمین و تربیت نشده باشد، کاری از پیش نخواهد رفت و قدمی برداشته نخواهد شد.

مهم ترین چالش آموزش و پرورش در هزاره ی سوم، سیاست تغییر و تبدیل است. تبدیل نظام آموزشی فعلی به آموزش و پرورش کارآ و اثربخش ، به همان اندازه که اهمیت دارد ، عملی خطیر است. ترسیم ویژگی های چنین نظام آموزشی با رسم یک دیاگرام یا تدوین یک مقاله، میسر نیست، بلکه ضرورتاً نیاز به مطالعه و پژوهش دقیق در تحولات و تغییرات اجتماعی دامنه دار در یک جامعه دارد.

پیش از بیان ویژگی های آموزش و پرورش کارآ و اثر بخش، باید بر لزوم همکاری همه جانبه ی ارگان ها و سازمان های کشور در حل مشکلات آموزش و پرورش تأکید می شود. در این راستا، رعایت اصولی از قبیل هماهنگی نظام آموزش با نیازها و برنامه ریزی های توسعه و پیش بینی برای تربیت معلم مجرب و متبحر، امری بدیهی است. استفاده از برنامه ریزی استراتژیک، کاربردی کردن نتایج و مطالعه و تحقیق در جهت استفاده از تجربیات سایر کشورهای جهان، و کاربردی کردن نتایج حاصل از آن، تمرکززدایی در نظام آموزشی، تغییر و اصلاح محیط های آموزشی با توجه به تحولات جدید، عنایت به فراگیران و حضور فعال آنان در عرصه ی فعالیت های یاددهی-یادگیری به عنوان یکی از اهداف اصلی سیستم آموزشی از جمله ویژگی های آموزش و پرورش کارآ و اثربخش محسوب می شود در پایان، به منظور دست یافتن به چنین سیستم آموزشی، پیشنهادات ذیل و بکار بستن آنها در نظام آموزش و پرورش کشور، می

تواند راهگشا باشد:

- ۱- انطباق نظام سیاست گذاری، برنامه ریزی و تصمیم گیری آموزشی با تحولات نوین جامعه در زمینه ی توسعه ی فرهنگی، سیاسی و تربیتی.
- ۲- بهسازی مداوم نیروی انسانی آموزش و پرورش در قالب بازسجی و با هدف کیفیت بخشی و کارآمد ساختن نیروی انسانی.
- ۳- گزینش نیروی انسانی مطلوب برای آموزش در قالب اعمال یک برنامه ی بلند مدت بر اساس سیاست های جدید آموزش و پرورش.
- ۴- تسهیل زمینه ی حضور فعال و پویای دانش آموزان در فعالیت های آموزشی و پرورشی با استفاده از روش های بدیع و مبتکرانه.
- ۵- ایجاد انگیزه های درونی برای یادگیری و تلاش و کوشش خودجوش دانش آموزان.
- ۶- حرکت به سوی اعمال سبک اداری عدم تمرکز در نظام آموزشی و تفویض اختیار به مناطق و مدارس.
- ۷- جلب مشارکت مردمی و استفاده از نیروهای بومی و محلی در فرآیند مدیریت مدارس.
- ۸- توجه به تحولات جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده ی مفید و موثر از تجهیزات موجود.
- ۹- بهره گیری از همکاری های بین المللی و منطقه ای و تبادل تجربیات سازنده.
- ۱۰- انطباق ساختار و محتوای آموزشی با نیازهای واقعی دانش آموزان و ایجاد تناسب در میزان حجم دروس مختلف.
- ۱۱- در نظر گرفتن دروس میان رشته ای و توجه به رشد و توسعه ی خلاقیت و ابتکار در دانش آموزان.

- ۱- بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۶)، درس هایی از ژاپن، خبر نامه انجمن دوستی ایران و ژاپن، سال هفتم، شماره ۱۶.
- ۲- بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، فرهنگ آموزش در ژاپن، نشریه پیوند وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲۶۳.
- ۲- جعفریان، محمد (۱۳۷۳)، آموزش و پرورش در ژاپن، انتشارات کوکب
- ۲- جمال زاده، سید رضا (۱۳۸۱)، ویژه نامه ی معلم و شیوه های تربیت، مدیریت آموزش و پرورش فلاورجان
- ۳- دفتر همکاری های علمی بین المللی، وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۶)، یادگیری گنج درون، انتشارات تزکیه.
- ۶- سر کار آرانی، محمد رضا (۱۳۸۱)، فرهنگ آموزش در ژاپن، تهران : روزنگار
- ۴- عطاران، محمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن، فناوری اطلاعات (IT) و تعلیم و تربیت، انتشارات آفتاب مهر
- ۵- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۱)، آموزش به مثابه پرورش، انتشارات پژوهشکده ی تعلیم و تربیت
- ۶- گلاسر، ویلیام (۱۳۸۰)، مدارس بدون شکست، ترجمه ی حمزه ساده، انتشارات رشد
- ۷- لوییپس، کاترین (۱۹۹۵)، آموزش قلب ها و اندیشه ها، ترجمه ج، افشین منش و ش، ایل بیگیطاهر (۱۳۸۵)، تهران: سازوکار، چاپ چهارم
- ۸- معین پور، حمیده (۱۳۸۲)، فناوری اطلاعات و ارتباطات و نقش آن در آموزش و پرورش، آئین فرزانه‌گی، جلد دهم، ستاد بزرگداشت مقام معلم، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان
- ۹- مهر محمدی، محمود (۱۳۷۸)، گزارش تحلیلی از پنجمین کنفرانس بین المللی یونسکو، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، انجمن ایرانی تعلیم و تربیت
- ۱۰- هلک، لارس (۱۳۷۲)، برنامه ریزی کیفیت آموزش و پرورش، ترجمه ی سعید بهشتی، انتشارات فرزندگان.

سایت ها:

<http://www.sgbox.com/singaporeeducation.html>  
[http://www.singaporemath.com/faq\\_Pre\\_PriSci.htm](http://www.singaporemath.com/faq_Pre_PriSci.htm)  
<http://www.moe.gov.sg/corporate/primary.htm>  
<http://www.moe.gov.sg/esp/schadm/sec1/pslmain.htm>  
<http://www.moe.gov.sg/schdiv/sis>  
<http://singaporescience.sgbox.com/singaporesciencebooks.html>  
[www.zibaweb.com](http://www.zibaweb.com)  
<http://radiomoallem2.blogfa.com/>